

خیلواکی



استقلال

www.esteqtaal.net

جمعه ۰۶ می ۲۰۲۲

ناتور رحمانی

(نمایشنامهٔ دموکراسی، در چهار رو نیمه پرده)

(پردهٔ اول)

درستیزگاه خونخواره ای زمان از بستر متلاطم سیاست ارجافی ملتی را میشود دید زیر سلطه ای سیاستبازان شعار پرداز که در بیشتر از نیم قرن گرده ای شان با شلاق ستم ، فقر ، بی سوادى ، مرض ، و دهها مصیبت دیگر آشنا بوده است . بویژه درین اندکی بیشتر دهه در چنبر سیاست ابر قدرت ها و چرخش های سریع و بطی زمامداران اجیر بلاکش دهر بوده اند.

جدا از کشته شدگان زیرزمین. نیم نفسان روی زمین آتش گرفته ای افغانستان بارها پوست داده اند و یا از آنها پوست کشیده اند .

سنجش های کودتای داس و چکشی با سرخ گرایی های کذایی آنچه را شعار میداد در عمل پیاده نموده خط کوتاه ای را از تیوری تا پراتیک برای دیده و دل امیدوار افغان به منصفه اجرا گذاشت . (نان ، خانه ، لباس) در سنجش شان مرمی ، گور و کفن بود؟! (هرگاه اگر کشته ای دست اختاپوت سرخ با خوش چانسی گور و کفنی تصاحب شده باشد) دیگر از کارگر و دهقان آن زمان باید پرسید که برایشان چه گذشت؟! و دولت به اصطلاح دهقانی و کارگری چه مزایای برای آنها ارمغان داد!! اینکه دهلیز به دهلیز و اتاق به اتاق (خاد ، کام و اکسا) زندانهای خرد و بزرگ تا پلچرخى و پلیگونها کارنامه و حماسه آفرینی های بهترین فرزندان این کشور. مبارزان آزادیخواه و وطنپرستان واقعی را بخاطر دارند حرفیست جدا و قابل تأمل .

این همه بود مگر از دموکراسی خبری نبود!!

(پردهٔ دوم)

دور دیگر. تکرار فاجعه .

به مجرد ترور های از قبل پلان شده (کرملین) با نابودی اجیران بی خاصیت و هزیمت قشون سرخ اینبار بازی به نوع دیگری آغاز گردید و با استفاده از عقیده و ایمان ملت مسلمان پابند به مذهب و دین هنگامه ها برپا کردند و در ترویج صدای (اسلام در خطر است) از بلندگوی (عمو سام) و شرکا کار را بجای رسانیدند که لشکری از فقیر ترین فرزندان افغان از دره ها ، کوهپایه ها و دشت ها با شکم های گرسنه و پا های برهنه کوه و کمر را درنوردیدند و به جنگ ابلیس رفتند تا دیوار حفاظتی باشند برای سیاست های (قصر سفید) که بزعم تیکه داران دین ! اسلام را از خطر نجات دهند .

چه دردناک که آنها یکی پی دیگر به قربانگاه می رفتند و تیکه داران در پناه ای قدرت و ثروت (چون به خلوت می رفتند آن کار دیگر میکردند) و به ریش ملت می خندیدند چون خود ریش در گرو اجنبی داشتند .

درین دوره ملتی که منتظر به تحقق پیوستن شعار (عدالت ، ایمان و قرآن) بودند در تنگنا گیر کردند و در عوض زنده زنده در کانتینرها سوختانده شدند ، پستان های شان بریده شد ، چشمان شانرا از حدقه کشیدند ، به فرق شان میخ کوبیدند ، رقص مرگ را اجرا کردند و ناموس شان در مارکیت زنباره گان شیوخ عرب به لیلام گذاشته شد . زندانهای شخصی و حکومتی دوباره صدای زنجیر تشنه گان آزادی را در راهرو های تاریک و دخمه ماندنش بلند ساخت .

شگفت انگیز اینکه همه بود و نبود مردم افغانستان نابود شده و به هوا رفت مگر همه دیدند که اسلام را خطر تهدید نمی کرد و (اسلام در خطر نبود) این دور هم همه چیز داشت، جز دموکراسی !

(پرده سوم)

وقتی چاپ اندازان اریکه نشین آنقدر مشغول بزکشی و کوبیدن همدیگر شدند که خواست ولی نعمت خویش (عمو سام) را فراموش نمودند و آرزوی کارتلهای نفت در دراز مدت تحقق نپذیرفت خشم دیو سرمایه اندیشه را بران داشت تا بساط قداره بند های گردنکش را برچینند . بدین سنجش بدیلی باید . دست یازیدن به چنین مامول پیش دستگاه شیطان کار مشکل نبود . در اندک مدت رنگ سبز دالر رنگ سبز جهاد را به رنگ سفید تبدیل نمود . گروهی از پاسداران به اصطلاح واقعی دین خدا به سرکرده گی ملای یک چشم (آشیل) وار اصطبل را شستند ، موفقیت شتابزده ای آنها را در تسخیر شهرها و سنگر های بی دفاع دستگاه تبلیغاتی غرب معجزه خواند و رساتر فریاد کرد : نارسایی مسلمان نما های پیشین را این ها مرفوع می نمایند چون مسلمانان کامل و نماینده گان راستین دین خدا اند !!

ملتی به زانو افتاده و کارد به استخوان رسیده با تکبیر و صلوات به پیشواز رفتند و با لبخند دست قاتلین خود را بوسیدند .

آنچه در اندیشهٔ مردم خطور نمی‌کرد جفا و ستم بود . مگر دریغ و درد ! که اینبار جهل توام با کهنه گرای و تفتیش عقاید از نوع قرون وسطایی خواستگاه مقدس مردم را که همانا عقاید مذهبی شان بود به سخریه گرفته با زبان تازیانه و کیبل ، چوب و تیاق از مسند و مرام خویش حرف زد درین ستم بازار ناهنجار ، بینش هرکی به اندازه ای بزرگی دستارش و فهم هر کدام برابر به پهنا و درازنای ریشش سنجش می شد ؟!

زن . تندیس منزلهٔ مادر ، خواهر و دختر به زنجیر کشیده شده ، نگبت تحجر گرایان پوپنک زده آنها را در عقب پرده های سیاه پنهان نمود که فراتر از آن زندانی خانه شدند . با مشخص نمودن خط حلال و حرام زن این نیم پیکر از جامعه را محروم از هوای آزاد ، کار ، فراگیری سواد و آموزش حتا محروم از حمام و نظافت نمودند .

این مردان خوب خدا مدعی بودند که (زن) اصلاً اغواگر و نمایندهٔ شیطان اند و سزاوار چنین مجازات . میشود وی را سر چهار راه پیش چشم همه شلاق زد ، لت و پار کرد ، به آتش افکند ، تحقیر و توهین کرد ، سنگسار نمود . و بی اعتنا به تمام قوانین و منشور قبول شدهٔ حقوق بشر میشود به ریش جهان گویا متمدن خندید ، در آنگاه (عمو سام) و دیده بانان حقوق بشر ، مشغول دیده بانی به لولهٔ نفت بودند ، و این صحنه های دلخراش را نمی دیدند . اگر هم می دیدند تفاوتی برای شان نداشت .

وقت سپری میشد ، مگر خواب خوش غول سرمایه تعبیر نمی شد ، برعکس یکبار دیگر غلام خانه زاد ، در مقابل ارباب چنگ و دندان نشان داد .

(عمو سام) فکر کرد نه اینطور نمیشود ، آن بود که به صراحت افتاد و با تبنانی شرکا آستین برزده طرح دیگری پیاده نمود ، دید و باز دید ها ، نشست با هم پیمان ها ، بالاخره منتج به مذاکرات (بن) گردید ، که فیصله های آن چون وحی آسمانی ، برای نجات و رستگاری مردم بجان رسیدهٔ افغانستان دلپسند و خواستنی بود !!

بیروکرات های افغان یکصدا فریاد کردند : (زنده باد دموکراسی ، مرگ بر تروریسم)

و به راستی در این دوره هم میشد همه چیز را دید ، بغیر از دموکراسی .

(پردهٔ چهارم)

و دوران دیگر ... چاله یا چاه ؟

نیرو های صلح طلب و دموکراسی ساز ، با پشتوانه ماشین جنگی (عمو سام) در سایه بالهای (ب ۵۲) با ساز و برگ نظامیان اردوگاه مشترک بنام (ائتلاف) ظاهراً مدرسه ها را بستند ، و طالبان حق را روفتند و... .

کشور قحطی زده گویا زیر باران رحمت بازسازی ، انجوها ، ریفرم گرایی ، آزاد اندیشی ، انتخاب نمایی ، پارلمان سازی ، زراندوزی و صدها نمونه ای دیگر شبیه گیاهی ضعیف لب تر کرده نیم قد استاده شد ، که اگر شود براستی زیر بارش دموکراسی قد راست کند ، و به آرزوی سالیان مکتوم مانده در دلش برسد

(عمو سام) زیرکانه و دانسته با همین شعار رنگین (دموکراسی برای مردم افغانستان) قدم به کنام شیران گرسنه دموکراسی گذاشته ، تا ترفند برملا شود.

مگر تا حال دستاورد ها همان بوده : تفنگ سالاری ، زورگویی ، آدم ربایی ، ارتشاً ، فساد اداری ، فحشاً ، خویش خوری ، حیف و میل ، دلهره و تشویش ، بی کفایتی ، بیکاری ، ناداری ، ناامنی ، دزدی و چپاول ، زد و بند های خود خواهانه به دور از مشوره ای مردم ، امتیاز دادن و شریک شدن با قاتلین ملت و جنایت کاران جنگی ، سانسور و پرده پوشی و... و دهها مثال دیگر .

رسانه های وابسته تبلیغ می کنند : **<< افغانستان بهشت برین شده؟! >>**

اینجاست دیگر که نمایشنامه ای جدی به یک کمیدی مبتذل تبدیل میگردد !

و عجباً که چنین شد، ملت با سراب دموکراسی، به (دینامت کرباسی) رسیدند، یعنی با پخت شلغم شوربای سیاسی، (عمو سام) با افزودن پرده بی مورد دگر، نمایشنامه مضحک را به ابتذال کشانید ، او مرد چشمک پران، شیاده، لفاظ، مفسد و برادر تنی طالب، آن نماینده سیا، هست خود را از صحنه برداشته، با گزینش از بد بدتر آن ، دلک های سیه سی را ، زیر نام و سناریوی (حکومت وحدت ملی) به کارگردانی و رهنمایی های گماشته ای هنری خویش (جان کری) به صحنه آورد .

شاید این قسمت برنامه ای هنری را ، با مسخره بازی های دلک های سیه سی اش خواست تنوع بیخشد ، تا بیننده های منگ شده ازین پرده ها و نیم پرده بازی ها خسته نشوند ، و برای تنوع بیشتر (دینامت کرباسی) یعنی لشکر (داعش) این سپید پوشان سپید پرچم خدا را ، با سیه پوشان سیهکار سرخ نمای مزدوران روس چپاولگران جبر و جهاد ، طالب جهل و جعل و جاهل و دنباله روان ادغام نمود ، تا دگر ملت فرصتی برای جمع نمودن توته های متلاشی شده ای ، پیکرشان نداشته باشند .

جالب که این دو دلچک سیاسی در نیمه ای نمایشنامه، زبان اعتراض به مقابل هم باز نموده، خلاف برنامه سر تقسیم قدرت حکومت خیراتی، و دست نشانده ، به کیک جنگی پرداخته، همدیگر را با همان هویت مبتدل و جفنگ که داشتند رسوای خاص و عام ساختند، که رسوایی و بی شرمی در کنه ضمیر نداشته ای شان مایه دارد

مگر مردم افغانستان ، با صبر ایوب همانگونه به تماشا نشسته اند، و منتظر پیام بهتر و ختم پرده ها و نیم پرده بازی های، این نمایش مضحک مبتدل، خلاف قاعده و موازین دموکراسی استند، که اگر شود کارگردان نمایشنامه ای (دموکراسی) از شعار به عمل گرائیده، دموکراسی واقعی را به آنها ارمغان دهد؟!!!

((ولی ، آنها باید به خاطر داشته باشند که تنها و تنها جنبش های دموکراتیک با کار و پیکار، و مبارزه بی امان، به اساس پیوند و همبستگی باهمی اقوام ساکن در کشور ، میتوانند دموکراسی واقعی را، برای مردم به خون نشسته ای افغانستان بیاورند . نه عموسام ، شرکا و دلچک های سیه سی دست نشانده اش))

اگر چنین نباشد، آگاهی و بیداری و همبستگی نباشد، افغان ها تماشاگر پرده های دگری چنین نمایشنامه های تراژیدی و هولناک خواهند بود